

فهرست مطالب

هفت	سخن ناشر
نه	پیشگفتار مؤلف
۱	مقدمه: انواع متن و روشهای ترجمه
۲۱	درس اول: معرفه و نکره
۲۱	الربیع و الخریف
۲۷	درس دوم: جمله اسمیه و فعلیه
۲۷	من الكتاب لی العقل
۳۳	درس سوم: فعل داشتن
۳۳	المساواة، العمل، الشتاء
۴۳	درس چهارم: افعال (۱): فعل ماضی
۴۳	الأيام
۵۳	درس پنجم: افعال (۲): مضارع و مستقبل و ترجمه افعال مجهول
۵۳	تنمية روح الحریة عند الأبناء
۶۵	درس ششم: ترکیبهای وصفی اضافی
۶۵	العمل
۷۵	درس هفتم: اسم تفصیل، فعل تعجب
۷۵	نداء الشیوخ
۸۵	درس هشتم: مفعول مطلق، تمیز
۸۵	الشارع المستهلك
۹۷	درس نهم: ترجمه حروف جر
۹۷	نفسی متقلّة بأثمارها
۱۰۹	درس دهم: ترجمه برخی ساختارهای ویژه
۱۰۹	العولمة
۱۲۱	درس یازدهم: حال
۱۲۱	فی مدینة الأموات

۱۲۹	درس دوازدهم: فعلهای کمکی
۱۲۹	الحرية
۱۳۹	درس سیزدهم: مترادفها
۱۳۹	عصر الانفجار المعرفي
۱۵۱	درس چهاردهم: معادل آشنا
۱۵۱	مناجاة القمر
۱۶۵	درس پانزدهم: تقطیع جمله‌های بلند، تقدیم و تأخیر
۱۶۵	الشباب
۱۸۱	درس شانزدهم: رعایت موقعیتها
۱۸۱	الفنّ و القانون
۱۹۳	درس هفدهم: معادل یابی برای اسامی خاص، تاریخها و عناوین
۲۰۳	درس هجدهم: ویرایش
۲۰۹	درس نوزدهم: گام به گام با مترجم
۲۲۶	پاسخ نامه
۲۳۰	پیوست: فرهنگهای لغت
۲۳۶	فهرست منابع

به یاد شیهای دمشق
و عطر دل‌انگیز یاسهای سفید
تقدیم به دکتر احمد لواسانی
با همه بی‌نیازی و فروتنی‌اش ...

پیشگفتار مؤلف

تعامل دو زبان فارسی و عربی به عنوان زبانهای کهن و اصیلی که در حوزه اسلامی قرار دارند و از ادبیات غنی و سرشار و پیشینه پر افتخار و کم نظیری برخوردارند، همواره ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده است. ترجمه را می‌توان برجسته‌ترین راه برای رسیدن به این تعامل دانست.

برخلاف تصور برخی که ترجمه را مراجعه به فرهنگ لغت و نوشتن معنای واژه و مرتب کردن معانی کلمات می‌دانند، ترجمه، فرایند پیچیده‌ای است و توفیق مترجم در ارائه ترجمه‌ای صحیح و شیوا به میزان تسلط وی به ظرایف دو زبان به‌ویژه زبان مقصد بستگی دارد.

به گفته زبان‌شناس مشهور «فردینان دو سوسور»، بهترین معنای یک واژه آن است که از جمله استنباط شود و بهترین معنای یک عبارت، معنایی است که با کل معنای متن، ارتباط داشته باشد (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶).

به عبارت دیگر برای ارائه ترجمه‌ای خوب و مقبول باید از دو مهارت عمده درک معنا از متن مبدأ و بیان این معنا در زبان مقصد براساس معیارهای زبانی و فرهنگی این زبان، برخوردار بود. در مقایسه بین توانایی درک معنا از زبان مبدأ و قدرت بیان در زبان مقصد، باید برای بیان، اهمیت بیشتری قائل شویم، زیرا ترجمه حادثه‌ای است که در زبان مقصد اتفاق می‌افتد. مطالعه آثار نویسندگان معاصر فارسی و خواندن مطالب مختلف مطبوعاتی و آشنایی با آثار ادبی نویسندگان کهن، به قدرت بیان مترجمی که از عربی به فارسی ترجمه می‌کند می‌افزاید.

کتاب حاضر برای دانشجویان عرب‌زبانی تألیف شده است که فارسی را فرا گرفته‌اند و قصد دارند پا به عرصه ترجمه بگذارند. این کتاب شامل یک مقدمه و شانزده درس آموزشی و دو درس مطالعاتی و یک پیوست است.

روش پیشنهادی برای تدریس این کتاب چنین است که استاد، پس از توضیح و تشریح مقدمه، ابتدا متن درس را برای دانشجویان می‌خواند و پس از بیان ظرافتهای زبانی عربی و فارسی و تشریح مطالب مطرح شده در کارگاه ترجمه، بخش کوتاهی از متن را در کلاس ترجمه می‌کند و از دانشجویان می‌خواهد بخش باقی‌مانده را در خانه ترجمه کنند و به همراه پاسخ خود آزمایی به کلاس بیاورند. سپس استاد براساس ترجمه خود - که آن را برای دانشجویان، بازخوانی می‌کند - ترجمه آنان را تصحیح می‌کند و دلایل رد یا قبول ترجمه‌های پیشنهادی آنان را توضیح می‌دهد. لازم است ذکر شود که درسهای هفدهم و هجدهم مطالعاتی است؛ به این معنا که دانشجو باید خود به خواندن آنها مبادرت کند و تفاوتها را دریابد و سعی کند همانند درس «گام به گام با مترجم»، متنی را به همان صورت ترجمه کند، یعنی افکار خویش را هنگام ترجمه روی کاغذ بیاورد.

مؤلف برای آنکه مترجمان نوآموز را با شیوه‌های مختلف جمله‌نویسی و ترجمه صحیح و روان آشنا کند، در این کتاب بیشتر از تمرینهای چند گزینه‌ای یا تمرینهای با جاهای خالی، استفاده کرده است. این روش باعث می‌شود مترجم نوآموز با چهارچوب جمله‌سازی و جلوه‌های بیانی زبان فارسی آشنا شود و الگوبرداری کند. ترجمه‌هایی که در صفحات مختلف، ارائه شده است لزوماً بهترین یا تنها ترجمه ممکن نیست؛ زیرا ذوق و سلیقه هر فرد، عامل مهمی در ترجمه او و نیز قضاوت وی نسبت به ترجمه دیگران است.

رضا ناظمیان

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

تابستان ۱۳۸۹

انواع متن و روشهای ترجمه

ویژگیهای مترجم

ترجمه، یعنی برگرداندن دقیق و طبیعی نوشته یا گفته‌ای از زبانی به زبان دیگر.

مترجم برای ارائه ترجمه‌ای دقیق و رسا باید از سه ویژگی برخوردار باشد:

۱. **آشنایی کامل با زبان مبدأ.** در ترجمه از عربی به فارسی، زبان مبدأ عربی و زبان مقصد فارسی است. دانستن معنای کلی متن مبدأ برای ترجمه کافی نیست؛ بلکه مترجم باید مفاهیم دقیق و ضمنی و بار عاطفی کلمات را دریابد و ظرایفی را که به سبک و شیوه نویسنده مربوط می‌شود، درک کند.

۲. **تسلط بر زبان مقصد.** تسلط بر زبان مقصد از شناخت کامل زبان مبدأ، مهم‌تر است؛ چرا که ترجمه از دو مهارت عمده درک و بیان شکل می‌گیرد. درک، شامل آشنایی با زبان مبدأ در حد استخراج جنبه‌های مختلف معنا از متن می‌شود و بیان به معنای بازنویسی معنای برگرفته از متن مبدأ بر اساس معیارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد است. مترجمی که به رموز و ظرایف زبان مادری خود مسلط باشد و امکانات و تواناییهای آن را بداند، می‌کوشد تا برای انتقال مفهیمی که در زبان مبدأ بیان شده است، قالبهای بیانی رسا و شیوایی در زبان مقصد بیابد و پیام یا تأثیر را به بهترین و طبیعی‌ترین شکل به مخاطب انتقال دهد. بیشترین و فاحش‌ترین اشتباهات مترجمان، ناشی از عدم تسلط آنان به زبان مقصد است. مطالعه آثار نویسندگان معاصر فارسی و خواندن مطالب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مطبوعات و آشنایی با آثار ادبی نویسندگان گذشته، بر قدرت بیان مترجم می‌افزاید.

۳. **آشنایی با موضوع مورد ترجمه.** آشنایی با موضوع متن اصلی، نقش مهمی در توفیق مترجم برای ارائه ترجمه‌ای صحیح و روان دارد. علوم و دانشهای مختلف، سرشار از اصطلاحات و تعابیری است که مرز و محدوده آنها را از یکدیگر تفکیک می‌کند. مترجمی که می‌خواهد کتابی را در موضوع روان‌شناسی ترجمه کند، اگر در این زمینه، مطالعه نداشته باشد و اصطلاحات مربوط به آن را نشناسد، از عهده ترجمه چنین کتابی بر نمی‌آید. نیمی از ترجمه، علم و مهارت و نیمی دیگر ذوق و هنر است. آشنایی با زبان مبدأ و موضوع مورد ترجمه، جنبه علم بودن ترجمه را تفسیر می‌کند و تسلط بر زبان مقصد و انتخاب معادلهای مناسب در سطح ساختارهای دستوری و واژگانی و شناخت روحیه نویسنده و مخاطب، ناظر به هنر بودن ترجمه و ذوقی بودن آن است.

انواع متن

مترجم در ترجمه متن با نقشهای مختلف زبان سروکار دارد. انواع متن را برحسب بارزترین نقش زبان می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. **متنهای اطلاعاتی.** هدف متنهای اطلاعاتی، صرفاً انتقال اطلاعات است. در این گونه متنها، زبان ابزاری است برای بیان نیازها، گزارش حوادث و رویدادها، توضیح و تبیین مطالب و یا آموزش اخبار. گزارشها، مقاله‌های علمی و فنی، درسنامه‌ها، قراردادهای، اطلاعیه‌ها و متون تحلیلی از بارزترین متنهای اطلاعاتی به شمار می‌آیند.
۲. **متنهای توصیفی.** در متنهای توصیفی، زبان ابزاری است برای توصیف احساس یا صحنه، یا حادثه‌ای خاص. هدف از متنهای توصیفی این است که احساس خاصی را در خواننده به وجود آورد. قدرت توصیف در چنین متنهایی گاه به گونه‌ای است که خواننده می‌تواند ویژگیهای بسیار دقیق و جزئی مربوط به صحنه یا رویداد را در ذهن خود مجسم کند. بارزترین نمونه متنهای توصیفی، متون ادبی است. نحوه تنظیم و بیان مطالب، متون ادبی را از متون اطلاعاتی متمایز می‌سازد. به عبارت دیگر، توصیف ادبی یک رویداد با توصیف خبری یا علمی آن، تفاوت‌های بسیاری دارد. طبیعی است که نمی‌توان یک متن را کاملاً اطلاعاتی یا

توصیفی دانست؛ چرا که در هر نوشته‌ای دو ویژگی اطلاع‌رسانی و توصیف در هم می‌آمیزند. حتی در نوشته‌های کاملاً اطلاعاتی، نگرش عاطفی و زمینه ادبی و هنری نویسنده، رنگ و تأثیر خود را بر شیوه بیان اخبار و اطلاعات و گزارش حوادث می‌گذارد. مترجمی که نوع متن و هدف اطلاع‌رسانی و توصیفی بخشهای مختلف آن را تشخیص بدهد، شناخت و برداشت درستی از ترجمه دارد و در انتقال معنا یا تأثیر متن به مخاطب خویش موفق است.

روشهای ترجمه

۱. ترجمه معنایی. ترجمه معنایی، معنا و مفهوم متن مبدأ را به نزدیک‌ترین ساختهای دستوری و معنایی زبان مقصد، منتقل می‌کند. مترجم در این روش، بی‌آنکه تغییرات دستوری یا لغوی در متن ایجاد کند، آن را لفظ به لفظ به زبان مقصد برمی‌گرداند. ترجمه معنایی به متن وفادار است و ویژگیهای ترجمه تحت‌اللفظی را دارد و به زبان مبدأ متمایل است. از ترجمه معنایی برای ترجمه متون توصیفی یا عناصر توصیفی متنهای اطلاعاتی و نیز ترجمه متون مقدس استفاده می‌شود.
۲. ترجمه ارتباطی. ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات و عبارات و ساختهای دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند. در ترجمه ارتباطی، مترجم براساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند براساس معنای کلمه در بافت متن معادل‌یابی کند. متون اطلاعاتی و عناصر غیرتوصیفی در متنهای توصیفی به شیوه ارتباطی ترجمه می‌شوند.

ویژگیهای ترجمه معنایی و ارتباطی

در جریان ترجمه، مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد درگیر است. مترجم باید از یک سو تلاش کند که خواننده، ترجمه‌اش را دریابد و از سوی دیگر مراقب باشد پیام یا معنا تحریف نشود. مترجم در این میان با توجه به عواملی از قبیل نوع متن، هدف ترجمه و میزان اهمیت کلمات و عبارات متن مبدأ، گاه به خواننده و گاه به نویسنده توجه بیشتری نشان می‌دهد؛ یعنی میزان معنایی یا ارتباطی بودن ترجمه را تعیین می‌کند.

ویژگیهای ترجمه معنایی و ارتباطی عبارتند از:

۱. ترجمه معنایی معمولاً موجز، ناهموار، نامأنوس و احياناً مبهم است؛ زیرا از افزایش و کاهش در ترجمه می‌پرهیزد. در ترجمه معنایی، برخی از مفاهیم معنایی و ویژگیهای دستوری زبان مبدأ وارد زبان مقصد می‌شود و خواننده احساس می‌کند با زبانی غیرمعمول روبه‌رو است؛ زیرا ترتیب کلمات و اجزاء کلام از متن اصلی پیروی می‌کند و ترجمه، رنگ و بوی زبان مبدأ را به خود می‌گیرد.

اما ترجمه ارتباطی غالباً مفصل‌تر از متن اصلی است؛ زیرا مترجم می‌کوشد مفهوم را در قالب نثری روان به خواننده منتقل کند و به همین دلیل گاه مجبور می‌شود مفاهیم را گسترش دهد یا تفسیر کند و برای ایجاد تأثیری مشابه در خواننده از تعابیر مترادف استفاده کند و به طور کلی به افزایش و کاهش در ترجمه پردازد، بی‌آنکه در مفهوم یا پیام متن اصلی تغییری ایجاد کند. از این‌رو است که ترجمه ارتباطی، سریع و راحت خوانده می‌شود، ولی خواندن ترجمه معنایی کند و دشوار است.

۲. ترجمه معنایی به نویسنده توجه بیشتری دارد تا خواننده. پیچیدگیهای دستوری یا واژگانی متن مبدأ در ترجمه حفظ می‌شود و همین امر باعث می‌شود ساختهای دستوری و تعابیر مجازی و یا استعاری یا کنایی به نزدیک‌ترین معادلها ترجمه شوند و در معنای اولیه خود به کار روند؛ حتی اگر در زبان مقصد متداول نباشند. مترجم از سطح زبانی نویسنده پیروی و فرایندهای فکری و تخیلی او را دنبال می‌کند.

اما ترجمه ارتباطی اولویت را به خواننده می‌دهد و سعی می‌کند محتوا یا پیام را از نزدیک‌ترین راه به خواننده برساند. مترجم در ترجمه ارتباطی، همواره در این نگرانی به سر می‌برد که آیا خواننده، پیام متن اصلی را دریافته است یا نه؟

۳. در ترجمه معنایی، ویژگیهای فرهنگی زبان مبدأ در نثر ترجمه انعکاس می‌یابد. اما در ترجمه ارتباطی، عناصر فرهنگی متن اصلی به ترجمه انتقال نمی‌یابد؛ بلکه با عناصر فرهنگی آشنا برای خواننده، جایگزین می‌شود. به عنوان مثال در فرهنگ و ادبیات عربی، قامت یار به درخت «بان» که از انواع گیاهان نواحی گرم و خشک به شمار می‌آید، تشبیه می‌شود. در ترجمه ارتباطی، مترجم به جای آوردن نام

درخت بان از نام درخت «سرو» استفاده می‌کند.

۴. در ترجمه معنایی، ضعفها، و نقصها و بی‌دقتیهای نویسنده در زمینه ساخت دستوری و کاربرد کلمات و تعابیر، در ترجمه منعکس می‌شود و خواننده ترجمه می‌تواند نامتعارف بودن دستوری یا واژگانی جمله را تشخیص دهد و مواردی را که نویسنده آنها را مبهم گذاشته یا به اطناب و تفصیل گراییده به عیان ببیند.

اما در ترجمه ارتباطی، این ضعفها و بی‌دقتیها تصحیح می‌شود؛ زیرا در این نوع از ترجمه، مترجم خواننده را در نظر می‌گیرد و می‌کوشد پیام را صریح و روشن به او منتقل کند. به عبارت دیگر در ترجمه ارتباطی، مترجم در خدمت خواننده است و برای او انتقال پیام و وضوح کلام مهم‌تر از ظرافتهای سبکی نویسنده است.

واحد ترجمه

بخشی از متن مبدأ که از سوی مترجم به عنوان واحدی برای معادل‌یابی در نظر گرفته می‌شود، واحد ترجمه نام دارد. واحد ترجمه می‌تواند کلمه، جمله یا بند (پاراگراف) باشد:

۱. کلمه

در ترجمه معنایی واحد ترجمه، کلمه است. بدین معنا که در برابر هر واژه متن مبدأ واژه‌ای از زبان مقصد آورده می‌شود. این نوع از ترجمه برای برگرداندن بسیاری از واژه‌های مرکب، تعابیر و اصطلاحاتی به کار می‌رود که معادل دقیقی برای آنها در زبان مقصد موجود نیست. به این ترکیبها توجه کنید:

نارالقری: آتش مهمانی (آتشی که عربها در صحرا می‌افروختند تا مسافران صحرا را به خیمه و خرگاه خود جلب کرده و آنان را مهمان کنند).

بیت عربی: خانه‌ای عربی (خانه‌ای که دارای یک شبستان یا سالن دایره‌ای شکل یا ایوان است که بر روی نیمکتهای سنگی اطراف آن تشکچه و پشته قرار دارد و حوض کوچکی نیز در وسط آن تعبیه شده است).

۲. جمله

در ترجمهٔ ارتباطی، واحد ترجمه جمله است، یعنی مفهوم جمله معادل، براساس مفهوم جمله متن اصلی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، قواعد دستوری و شیوه آرایش کلمات در زبان مقصد، رعایت می‌شود و مترجم گاه مجبور می‌شود برای انتقال مفهوم جمله به بسط جمله پردازد. به این جمله ساده و ترجمه‌های آن دقت کنید:

ترجمه معنایی: معده، خانه درد است. } «المعدة بيتُ الداء»
 ترجمه ارتباطی: پرخوری، منشأ همه بیماریهاست.

مترجم در ترجمهٔ این جمله با درک اینکه کلمات، اهمیت ذاتی ندارند و مهم برای گوینده یا نویسنده این است که مخاطب، پیام موجود در جمله را دریابد آن را به صورت ارتباطی ترجمه کرده است. در ترجمهٔ ارتباطی این جمله، مترجم هیچ‌یک از کلمات را ترجمه نکرده، اما این اطمینان را دارد که مفهوم و پیام جمله را منتقل کرده است.

۳. بند

گاه واحد ترجمه، بند یا پاراگراف است. مترجم، مفهوم کلی یک بند را در مجموعه جملاتی از زبان مقصد به دست می‌دهد و معمولاً کلمات یا جملاتی را از متن مبدأ می‌کاهد یا بر آن می‌افزاید. اگر این افزایش و کاهش، تغییری در مفهوم و پیام ایجاد نکند، نوع ترجمه، ارتباطی خواهد بود. اما اگر به کم و زیاد شدن مفهوم و معنا بینجامد، از مقوله ترجمهٔ صرف خارج شده و ویژگیهای تألیف را به خود می‌گیرد و با عنوان ترجمهٔ آزاد یا ترجمهٔ گزارش‌گونه یا ترجمه و نگارش شناخته می‌شود. به متن زیر و دو شیوه ترجمهٔ معنایی و ارتباطی آن توجه کنید. در ترجمه معنایی، واحد ترجمه، کلمه و در ترجمهٔ ارتباطی، واحد ترجمه، جمله است. تفاوت‌های این دو نوع ترجمه را بررسی کنید:

كان إيديسون ضعيف الذّاكرة في شبابه، ففي المدرسة كان يَنسى كلّمَا يَتعلّمُهُ و لذا كان في مُؤخّرة زُملائه من حيثُ ترتيب الدَّرَجَات. و قد يَبس منه أَساتِدُهُ و صرّحوا بأنّه خَفيف العَقْل، لا فائدة من تعليمه. و الواقع أن إيديسون لم يَقْضِ

فی المدرسة سیوی ثلاثة أشهر من حياته كلها و تَوَلَّتْ والدته تعليمه في البيت. فكانَ عَمَلُهَا رَائِعاً إِذْ بَدَّلَ إِيدِيسُونَ وَجْهَ الْعَالَمِ الَّذِي نَعِيشُ فِيهِ.

ترجمه معنایی: ادیسون در جوانی حافظه‌ای ضعیف داشت. در مدرسه هر چیزی را که یاد می‌گرفت، فراموش می‌کرد. به همین دلیل از نظر نمره در انتهای همکلاسهایش قرار داشت. استادانش از او ناامید شدند و تصریح کردند که او کم عقل است و یاد دادن به او فایده‌ای ندارد. در واقع، ادیسون جز سه ماه از همه زندگی خود را در مدرسه نگذراند و مادرش یاد دادن به او را در خانه به عهده گرفت. کار او خیلی خوب بود زیرا ادیسون، چهره جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم تغییر داد.

ترجمه ارتباطی: حافظه ادیسون در نوجوانی ضعیف بود و نمی‌توانست درسهایش را به خاطر بسپارد. از این رو همیشه کمترین نمره را می‌گرفت. معلمها از او ناامید شدند و به صراحت گفتند: او کودن است و به درد مدرسه نمی‌خورد. ادیسون در طول زندگی خود، فقط سه ماه به مدرسه رفت و این مادرش بود که در خانه به او درس می‌داد. مادر وی شاهکار کرد؛ زیرا ادیسون توانست چهره جهان را دگرگون سازد.

بررسی برخی از تفاوت‌های دو ترجمه

مترجم باید کلمه را در قالب جمله و جمله را در چهارچوب متن معنا کند و برای ترجمه کلمه و درک مفهوم جمله از دانستیهای خود در موضوع متن و نیز از عقل و منطق خویش کمک بگیرد. شتاب به معنای جوانی است اما با توجه به اینکه دانش آموز دوره ابتدایی هنوز به دوران جوانی نرسیده است، نوجوانی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در زبان فارسی، استاد در دانشگاه تدریس می‌کند و برای دانش آموز کلمه معلم مناسب است. استفاده از تعابیری آشنا چون «به درد مدرسه نمی‌خورد» یا «شاهکار کرد» متن را روان‌تر کرده و باعث می‌شود خواننده با روانی و سرعت بیشتری متن را بخواند. جمله ترکیب شده از نفی و استثنا، معمولاً باعث ناهمواری متن ترجمه می‌شود. از این رو حذف نفی و استثنا و آوردن معادلی چون «فقط» و «تنها» به روانی جمله

کمک می‌کند. در ترجمه ارتباطی که بهترین شیوه برای ترجمه اغلب متون است، مترجم برای آفرینش معادله‌های نو و جذاب، دقت و تلاش بیشتری می‌کند و می‌کوشد متن ترجمه را هر چه روان‌تر و پخته‌تر در اختیار خواننده قرار دهد.

انتخاب شیوه در ترجمه

۱. ترجمه معنایی و ارتباطی متضاد یکدیگر نیستند؛ بلکه دو روش هستند که مترجم باید با آگاهی و بینش و تجربه خود، در موارد لازم یکی از دو روش معنایی یا ارتباطی را انتخاب کند، حتی ممکن است در یک متن از هر دو روش استفاده شود.
۲. تردیدی نیست که مترجم باید امانت را رعایت کند؛ اما رعایت امانت در ترجمه از مفاهیم نسبی و اعتباری و متغیر است. به عبارت دیگر، در یک جمله رعایت امانت ایجاب می‌کند که مترجم همه کلمات را با دقت و وسواس ترجمه کند و در جمله‌ای دیگر، امانت در صورتی رعایت می‌شود که مترجم هیچ‌یک از کلمات متن اصلی را ترجمه نکند. مثلاً در یک متن فلسفی یا حقوقی یا تعریف اصطلاحات علمی که هدف آن ارائه معناست و کلمات اهمیت ذاتی دارند و هر کلمه با دقت انتخاب شده تا معنای خاصی را برساند، رعایت امانت اقتضا می‌کند همه کلمات، ترجمه شوند. در این صورت تنها گزینه پیش روی ما ترجمه معنایی است. اما در جملاتی که هدف نویسنده، انتقال تأثیر است رعایت امانت، انتقال دادن همان تأثیری است که مد نظر نویسنده بوده است نه ترجمه کلمات؛ مثلاً در ترجمه برخی ضرب‌المثلها یا تعابیر، انتقال تأثیر مهم است که تنها ترجمه ارتباطی از عهده آن برمی‌آید. به این مثالها توجه کنید:

– «إِذَا كُنَّ الْمَلَّاحُونَ غَرَقَتِ السَّفِينَةُ»

ترجمه معنایی: اگر ملوانان زیاد شوند، کشتی غرق می‌شود.

ترجمه ارتباطی: آشپز که تا دو شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

– «مَلَكِيًّا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلِكِ»

ترجمه معنایی: سلطنت طلب‌تر از پادشاه.

ترجمه ارتباطی: کاسه داغ‌تر از آش.

- «رَجَعَ بِخُفَى حُنِينٍ»

ترجمه معنایی: با دو کفش حنین بازگشت.

ترجمه ارتباطی: دست از پا درازتر برگشت.

۳. انتخاب شیوه ترجمه و میزان معنایی بودن ترجمه و ورود کلمات متن اصلی به متن ترجمه به مخاطب نیز بستگی دارد. به این معنا که ممکن است مترجم بخواهد متن فلسفی کهن و دشواری را به شکلی ساده و به نثر معاصر برای اقشار مختلف خوانندگان ترجمه کند؛ یا آنکه بخواهد متنی علمی و تخصصی را به زبان ساده برای نوجوانان برگرداند؛ در این صورت، شیوه ارتباطی کارآیی بیشتری دارد. زیرا ترجمه مستقیم کلمات زبان مبدأ، متن ترجمه را دشوار و مبهم می‌سازد.

۴. حتی در ترجمه معنایی نیز مترجم باید از اختیارات محدود خود در زمینه عملکردهای گوناگون دستوری استفاده کند و به ساختهای دستوری جمله در زبان مقصد نیز توجه داشته باشد. به عنوان مثال به این جمله توجه کنید:

«كان إيديسون ضعيف الذّاكرة في شبابه»

- ترجمه معنایی: ادیسون در جوانی حافظه‌ای ضعیف داشت.

استفاده از فعل داشتن به جای بودن و تعبیر حافظه‌ای ضعیف به جای ضعیف‌الحافظه که اضافه صفت به موصوف است و شیوه آرایش کلمات، نشان می‌دهد که مترجم در ترجمه این جمله از الگوهای دستوری و قالبهای بیانی زبان فارسی پیروی کرده و از اختیارات محدود خود در این زمینه آگاهی داشته است.

سبک در ترجمه

ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که بتواند همان تأثیر متن اصلی را در خواننده بگذارد. برای انتقال این تأثیر، رعایت سبک و اسلوب نویسنده، اهمیت زیادی دارد. اما هدف همه متنها، تأثیر گذاشتن بر خواننده نیست. هدف یک متن فلسفی یا حقوقی، انتقال معنا و هدف یک متن خبری یا گزارشی، اطلاع‌رسانی به خواننده است.

بنابراین مترجم، نخست باید انواع متن را بشناسد و براساس نقش خاصی که متن دارد، زبان آن را برای ترجمه بیابد. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشته باشد

که نویسنده از چه لحن و زبانی برای انتقال این تأثیر یا اطلاع، سود جست است. در عین حال، مترجم باید این موضوع را در نظر بگیرد که مخاطبان ترجمه او چه کسانی هستند و سطح دانش و اطلاعات زبانی آنان چگونه است. به عبارت دیگر مترجم، نخست باید بداند نویسنده چه گفته و چگونه گفته و برای چه کسانی گفته است.

پاسخ پرسش اول به شناخت نوع متن و پرسش دوم به شناخت لحن و زبان نویسنده و پرسش سوم به شناخت مخاطب باز می‌گردد. در نظر گرفتن این عناصر و انعکاس دادن آنها در متن ترجمه به معنای آن است که مترجم سبک و اسلوب و شیوه نگارش نویسنده را رعایت کرده است.

الف) نوع متن

در صفحات گذشته با انواع متن آشنا شدید و دانستید که متنها به طور کلی به دو دسته اطلاعاتی (علمی) و توصیفی (ادبی) تقسیم می‌شوند.

در متن علمی، هر کلمه‌ای در معنای روشن و حقیقی خود به کار می‌رود. نوشته علمی، صریح، دقیق، گویا و بی‌ابهام است و آرایه‌های ادبی در آن دیده نمی‌شود؛ زیرا متن علمی صرفاً برای انتقال مستقیم مفاهیم دقیق علمی نوشته می‌شود. در نوشته‌های علمی، مطالب به گونه‌ای بیان می‌شود که خواننده بدون آنکه در کلمات تأمل کند، مقصود را دریابد. بنابراین در متن علمی نباید از کلمه‌ای استفاده شود که خواننده، برداشتهای متفاوتی از آن داشته باشد.

اما در نوشته‌های ادبی سعی می‌شود خواننده، روابط و مناسبات ظریف میان الفاظ را دریابد. به عبارت دیگر، از زبان برای زیبایی آفرینی استفاده می‌شود. در متن ادبی چند پهلو نوشتن به طوری که بتوان از هر کلمه برداشتهای متفاوتی کرد، به زیبایی متن می‌افزاید؛ همان‌طور که برای توصیف و تصویر معانی ذهنی و بیان عواطف و احساسات درونی از آرایه‌های ادبی استفاده می‌شود. بنابراین متن ادبی، تنها مراد و مقصود نویسنده را نمی‌رساند؛ بلکه می‌کوشد بر رفتار مخاطب تأثیر بگذارد و حتی او را به واکنش وادارد و با خود همراه و همدل سازد.

بیان علمی یک رویداد با توصیف ادبی آن رویداد کاملاً متفاوت است و از نظر

واژگان و ساختهای دستوری و کاربردهای معنایی، تفاوت‌های آشکاری دارد. شاید با قاطعیت نتوان نویسنده یک متن علمی را از به کار بردن تعبیر «بوسه خورشید بر بیشه و ساحل» برای بیان طلوع آفتاب منع کرد؛ اما این تعبیر در بافت یک متن علمی، نامأنوس است. بنابراین مترجم، نخست باید نوع علمی یا ادبی بودن متن زبان مبدأ را تشخیص دهد تا بتواند نوع متن ترجمه‌اش را متناسب با آن انتخاب کند.

ب) زبان متن

در زبان فارسی، نثر بیهقی، ابن سینا، بیرونی و ناصر خسرو با نثر جمال‌زاده، بزرگ علوی و جلال آل‌احمد تفاوت‌های اساسی دارد. در زبان عربی نیز آثار ابن مقفع، جاحظ، ابن اثیر و حریری از متون کهن به شمار می‌آید و آثار منفلوطی، طه حسین، محمود تیمور، ویزگیهای متون معاصر را دارد.

متون کهن از نظر دایره واژگان و کاربرد کلمات و اصطلاحات و ساختمان دستوری، تفاوت‌های زیادی با متون معاصر دارد. در متون کهن، کلمات و تعبیری به کار می‌رفته که در زبان معاصر متروک شده است و یا کاربرد بسیار اندکی دارد. در عین حال استفاده از کلمات هماهنگ و موزون (سجع) رواج زیادی در متون کهن داشته که هم‌اکنون منسوخ شده است.

کاربرد گسترده ضمائر، به‌ویژه ضمیر غایب، در متون کهن از ویژگیهای دستوری این متون به شمار می‌آید؛ به طوری که در یک سطر از چندین ضمیر استفاده می‌شده که گاه پیدا کردن مرجع این ضمائر با دشواریهایی همراه می‌شده است. دلیل چنین کاربردی را می‌توان محدود بودن مخاطبان و ایجاز و اختصار متون قدیم دانست.

اما در مقابل، متون معاصر بر مبنای شرح و توضیح و تبیین است و معمولاً پیچیدگیهای دستوری و واژگانی در آنها به چشم نمی‌خورد؛ زیرا برای مخاطبان وسیع و بی‌شمار نوشته می‌شود. به عبارت دیگر، کلمات و اصطلاحات متون کهن، محدود و ساختمان دستوری آنها پیچیده است. اما در متون معاصر، دستور زبان و ساختمان آن ساده است و دایره واژگان و اصطلاحات بر اثر تأثیرپذیری از سایر

زبانها گسترش یافته است. پیدایش زبان خاص به نام زبان روزنامه یا خبر و ترجمه آثار و کتب غربی و سر و کار داشتن اهل قلم با مخاطبان عام و مردم کوچه و بازار که زبان پیچیده و مغلق کهن و نشر مکلف آن را نمی فهمند، از مهم ترین دلایل ساده شدن زبان است. این عوامل باعث شد اصطلاحات و تعبیرات و تشبیهات و استعارات پیچیده‌ای که فقط ادبا و منشیان درباری آنها را به کار می بردند، منسوخ شود و زبان به سادگی گراید.

مترجم، پیش از ترجمه متن، باید معلوم کند که زبان متن مبدأ به چه دوره‌ای اختصاص دارد. آیا متن زبان مبدأ، جزء متون کهن به شمار می آید یا از متون معاصر است؟ مترجمی که بخشی از کتاب تاریخ طبری را ترجمه می کند، باید این متن را به گونه‌ای ترجمه کند که این احساس را در خواننده به وجود آورد که یک متن کهن را می خواند.

به متن ذیل که از کتاب مقامات حریری متعلق به دوره عباسیان انتخاب شده، توجه کنید. ترجمه اول معنایی است و زبان متن در نشر ترجمه، حفظ شده و ویژگیهای متن کهن را دارد و ترجمه دوم از نوع ارتباطی و به زبان معاصر است:

فَقُلْتُ لَهُ: مَا أَغْزَرَ وَبَلَّكَ! فَقَالَ: وَالشَّرْطُ أُمْلِكُ. فَفَجَّحْتُهُ بِالدِّينَارِ الثَّانِي وَ قُلْتُ لَهُ: عَوَّذُهُمَا بِالْمَثَانِي. فَأَلْقَاهُ فِي فَمِهِ وَ قَرَنَهُ بِتَوَامِهِ وَ أَنْكَفَأَ يَحْمَدُ مَعْدَاهُ وَ يَمْدَحُ النَّادِي وَ نَدَاهُ. قَالَ الْحَارِثُ بْنُ هَمَّامٍ: فَنَاجَانِي قَلْبِي بَأَنَّهُ أَبُو زَيْدٍ وَ أَنْ تَعَارُجَهُ لِكَيْدٍ، فَاسْتَعَدَّتْهُ.

ترجمه اول: او را گفتم: چه سنگین است بارانت. و او گفت: شرط به جای همی باید آورد. پس دیناری دیگر به وی بدادم و گفتمش: دینارها به فاتحه‌الکتاب، تعویذ کن. پس آن در دهان افکند و به همزادش قرین کرد و همچنان که بازمی گشت طالع آن روز می ستود و به مدح انجمن و عطای آن زبان می گشود. حارث بن همّام چنین گفت: دلم گواهی داد که او ابوزید است و لنگ رفتنش از بهر کید است، پس خواستمش تا باز گردد به حال نخست.

ترجمه دوم: به او گفتم: عجب طبع روانی! و او پاسخ داد: عمل کردن به شرط مهم تر است. یک دینار دیگر به او دادم و گفتم: بر این دو دینار فاتحةالکتاب بخوان تا از کف نرود. آن را در دهانش انداخت و در کنار دینار قبلی نهاد و در همان حال که از بخت خود در آن روز خرسند بود و از این محفل و پولی که به دست آورده بود، سر از پانمی شناخت، بازگشت. حارث بن همّام می گوید: به دلم گذشت که او ابوزید است و به دروغ، خود را لنگ نشان داده است. پس از او خواستم که مثل آدمهای سالم راه برود.

ج) لحن نویسنده

نویسنده هر متن، لحن خاصی دارد که متناسب با خصوصیات اخلاقی اوست؛ زیرا سبک نگارش و لحن هر نویسنده به طبع و روحیه وی بستگی دارد. برای مثال در زبان و ادبیات معاصر فارسی، «باستانی پاریزی» نویسنده‌ای شوخ و بذله‌گو و خوش طبع و خوش بیان است. اما استاد مطهری، نویسنده‌ای جدی است که در نوشته‌هایش از طنز و شوخی و فکاهی استفاده نمی‌کند و همواره با استدلالهای مکرر و زبانی علمی، سعی در اثبات اصول و ارزشهای دینی و اخلاقی دارد. جلال آل‌احمد نویسنده‌ای شیرین زبان است اما در نوشته‌هایش از نیش زدن و طنز و تمسخر، خودداری نکرده است. نگاه او انتقادی و دقیق و توصیف‌گر است و تمام زوایای موضوع را به دقت موشکافی می‌کند؛ در ضمن از ضرب‌المثلها و تعابیر و اصطلاحات عامیانه بهره زیادی می‌گیرد. دکتر شریعتی، طبعی حساس و شاعرانه دارد و نوشته‌هایش از احساس قوی برخوردار است و با آوردن کلمات و عبارات مترادف و تتابع اضافات و استفاده از تعابیر ادبی، تلاش می‌کند در روح خواننده تأثیر بگذارد؛ در عین حال از استدلالهای منطقی و حکایتهای تاریخی نیز بهره می‌گیرد.

ویژگیهای روحی و فکری و ذوق و طبع نویسندگان در نوشته‌هایشان نیز انعکاس می‌یابد. در ادبیات معاصر عرب نیز نوشته‌های «صلاح السعدنی» طنزنویس معروف مصری، مملو از شوخ طبعی و شیرین‌زبانی است. اما اگر آثار «عباس محمود العقاد» و «احمد امین» را بخوانید می‌بینید که اندک لحن شوخی یا مسخرگی یا شیرین‌زبانی و

طنز‌گویی در گفتار و قلمشان نیست و عین مطلب مورد نظرشان را خشک و بی‌پیرایه روی کاغذ آورده‌اند. نثر جبران خلیل جبران، سرشار از احساس شاعرانه و طبع لطیف است. طبع حساس و برخورد عاطفی وی با مسائل و حوادث در نوشته‌هایش پیداست. نوشته‌های جبران چنان سرشار از تصاویر بیانی و استعاره‌های زیبا و جذاب است که نوشته‌های او را به پرده‌های نقاشی، مانند کرده‌اند.

مترجم موفق آن است که بتواند در ترجمه‌اش، لحن نویسنده را حفظ کند؛ به عنوان مثال لحن نثرش در ترجمه آثار توفیق‌الحکیم، با لحنی که در ترجمه آثار جبران خلیل جبران به کار می‌برد، متفاوت باشد.

د) مخاطب

مترجم در هر متن، مخاطبی را در نظر دارد و متن را برای او ترجمه می‌کند. اگر مخاطب، متن را درک نکند یا در این زمینه با دشواریهایی روبه‌رو شود، مترجم به هدف خود دست نیافته و نتوانسته با خواننده، ارتباط برقرار کند.

مترجم باید میزان توانایی خواننده در درک متن و سطح اطلاعات نحوی و واژگانی او را بداند تا بتواند او را جذب کند و وادار سازد خواندن متن را به پایان برد. متن ترجمه، مانند جاده‌ای است که خواننده یا مخاطب ترجمه بر آن گام می‌نهد. اگر متن ترجمه جمله‌های طولانی و پیچیده و نامفهوم و کلمات دشوار داشته باشد، مانند جاده‌ای ناهموار است که در فواصل مختلف، گودال یا مانعی بر سر راه او پدیدار می‌شود. بی‌گمان، خواننده چنین ترجمه‌ای خیلی زود خسته می‌شود و از پیمودن باقی مانده راه، صرف نظر می‌کند. بنابراین مترجم باید با آگاهی از سطح دانش و میزان حوصله خواننده، خود را جای او بگذارد و اگر خودش متن را می‌فهمد، انتظار فهمیدن آن را از خواننده داشته باشد.

رعایت شیوه بیان و سبک نویسنده، نسبت به سطح دانش و ادراک مخاطب ترجمه، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. به این معنا که ممکن است مترجم بخواهد متنی کهن را برای مخاطبان عام به شکلی ساده و به نثر معاصر ترجمه کند، یا آنکه بخواهد متنی علمی و تخصصی را به زبان ساده برای نوجوانان ترجمه کند؛ در این

صورت، رعایت سبک و زبان نویسنده به شکلی که پیش تر گفتیم، ضرورتی ندارد. برای مثال، ترجمه متون مذهبی و معارف اسلامی معمولاً به انگیزه آشنایی نسل جوان با این متون صورت می گیرد و با توجه به اینکه این متون، به ویژه کتابهای تفسیری و کلامی و روایی، به زبان عربی سده‌های پیش نوشته شده و از نظر شیوه بیان، غالباً نثری رسمی و فاخر دارد، رعایت سبک و زبان این گونه متنها نه تنها ضروری نیست، بلکه چنین متونی باید به زبان ساده ترجمه شود تا برای همه اقشار جامعه قابل فهم باشد. در ترجمه این متون، مخاطب نقش اصلی را ایفا می کند و میزان دانش و آگاهی او باید مد نظر مترجم قرار گیرد. مخاطبان ترجمه به دو گروه خاص و عام تقسیم می شوند:

۱. مخاطب خاص. مخاطب خاص، محدوده گسترده‌ای را شامل می شود که خود به دو گروه تقسیم می شود:

الف) اهل قلم و تحصیل کردگان. در متنی که برای این گونه مخاطبان ترجمه می شود، ساده نویسی و تأکید بر شرح و توضیح مفاهیم، ضرورتی ندارد و به توضیح اصطلاحات، تعابیر و اشارات نیازی نیست و وجود اصطلاحاتی چون «قیاس مع الفارق»، «اسب تروا»، «حدیث متواتر» و «استقراء» در این متن طبیعی است؛ همچنین الگوهایی بیانی و ادبی مانند تعابیر تشبیهی، استعاری و کنایی و مجاز گوییها در متن ترجمه انعکاس می یابد. البته این دسته از مخاطبان را نیز می توان به گروههای مختلفی تقسیم کرد. برای مثال، اگر مترجم، شعری را از «بدر شاکر السیاب» که از پیشگامان شعر نو در ادبیات معاصر عرب است، تنها به منظور انتقال پیام اصلی شعر برای عموم علاقه مندان شعر معاصر عربی ترجمه می کند، می تواند زبان مجاز و استعاره و به طور کلی الگوهای ادبی این شعر را در ترجمه، منعکس نکند و برخی از صور بیانی را نادیده بگیرد. اما اگر هدف از ترجمه چنین شعری، شناساندن شاعر و ویژگیهای بیانی وی و انتقال دقیق تأثیر ادبی بر اهل زبان مقصد باشد، نادیده گرفتن صور بیانی و زبان مجاز و استعاره شعر به معنای رعایت نکردن امانت و تحریف معنا و مخدوش بودن ترجمه خواهد بود.

اگر مخاطبان این ترجمه، دانشجویان ادبیات عربی باشند، مترجم باید علاوه بر

رعایت دقیق الگوهای بیانی، اصل عربی تعابیر مجازی و استعاری را در پانوشت بیاورد تا خواننده، علاوه بر دریافت معنا و پیام، فضایی برای تجربه، مقایسه و قضاوت درباره ترجمه داشته باشد. می‌توان گفت مخاطبان فصلنامه‌های دانشگاهی و ماهنامه‌های ادبی، تحصیل‌کردگان و اهل قلم هستند و مقاله‌ای که برای چاپ در چنین نشریاتی ترجمه می‌شود، لزوماً باید چنین مخاطبانی را مد نظر قرار دهد.

ب) **کودکان و نوجوانان**. مترجمی که برای کودک یا نوجوان ترجمه می‌کند، علاوه بر رعایت ویژگیهای ساده‌نویسی، باید از دایره واژگانی محدودی استفاده کند و اصطلاحات را در متن، توضیح دهد. اگر هدف ترجمه آن است که بر مخاطب، تأثیر بگذارد، طبیعی است که ترجمه برای کودک و نوجوان باید به زبانی صورت بگیرد که برای چنین مخاطبی آشنا و ملموس باشد؛ یعنی زبانی شبیه به زبان تألیف ادبیات کودک و نوجوان.

۲. **مخاطبان عام**. در متونی که برای مخاطبان عام، ترجمه می‌شود، باید سطح متوسط اطلاع و آگاهی در نظر گرفته شود. نوشته‌های مطبوعاتی، کتابهای اطلاعاتی، گزارشها، آگهیهای تبلیغاتی و تجاری، مخاطبان عام را در نظر می‌گیرند. متنی علمی که برای مخاطبان عام ترجمه می‌شود و شیوه ترجمه آن ارتباطی است باید ساده و بی‌تکلف نوشته شود.

ویژگیهای یک متن ساده از این قرار است:

۱. زبان متن، صمیمی و نزدیک به زبان گفتار است. وقتی زبان نگارش به زبان گفتار نزدیک شود، روح و تحرک بیشتری می‌یابد.
۲. جمله‌ها کوتاه و روان هستند. هر چه جمله‌ها کوتاه‌تر باشند، مفهوم را زودتر و بهتر می‌رسانند.
۳. کلمه‌ها و عبارتهای دشوار در آن نیست و بی‌دلیل به مطالب، شاخ و برگ داده نمی‌شود.
۴. عبارتها و کلمه‌های زاید و بی‌نقش همچون تکیه کلامها، کلمات مترادف و جمله‌های معترضه در آن دیده نمی‌شود.
۵. کلی‌گویی و ابهام در متن نیست و مخاطب، مقصود و مراد متن را به خوبی

می فهمد.

۶. نقل قولهای مستقیم به غیرمستقیم تبدیل می شود، مگر در صورتی که نقل قول مستقیم ضروری باشد. به این مثال توجه کنید که نقل قول مستقیم به غیرمستقیم تبدیل شده است:

- رئیس جمهور گفت: دفاع از ارزشهای ملی، وظیفه همه ایرانیان است.

- رئیس جمهور، دفاع از ارزشهای ملی را وظیفه همه ایرانیان دانست.

خودآزمایی

الف) به دنبال متن عربی زیر دو ترجمه آمده است. این متن، اطلاعاتی است یا توصیفی؟ کدام ترجمه ارتباطی و کدام ترجمه معنایی است؟ کدام ترجمه با متن اصلی تناسب بیشتری دارد؟ چرا؟

فَفِي ذَاتِ يَوْمٍ بَيْنَمَا كَانَ مِنْهُمْ كَأَنَّ فِي حَلٍّ مُعْضَلَةٍ عِلْمِيَّةٍ أُضْطُرَّ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَحْكَمَةِ لِيُؤَدِّيَ مَا عَلَيْهِ مِنَ الضَّرَائِبِ وَ لَبِثَ وَقْتًا غَيْرَ قَصِيرٍ وَاقِفًا فِي الصَّفِّ مُنْتَظِرًا دَوْرَهُ، فَلَمَّا جَاءَ دَوْرُهُ نَسِيَ اسْمَهُ وَ لَحِظَ أَحَدُ الْوَاقِفِينَ بَجَانِبِهِ ارْتِبَاكَهُ فَذَكَرَهُ بِأَنَّ اسْمَهُ «توماس ایدیسون»! اعْتَادَ ایدیسون أَنْ يُمَضِيَ اللَّيْلَ وَ هُوَ يَعْمَلُ فِي مُخْتَبَرِهِ وَ فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ بَيْنَمَا كَانَ يَنْتَظِرُ إِفْطَارَهُ لِیَأْكُلَ اسْتَسَلَّمَ لِلرُّقَادِ وَ أَرَادَ أَحَدٌ مُسَاعِدِيَهُ أَنْ يُمَازِحَهُ فَوَضَعَ أَمَامَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ الطَّبَقَ وَ عَلَيْهِ الصُّحُونُ الْفَارِغَةُ وَ فَنَجَانَ الْقَهْوَةُ الْفَارِغُ وَ كَسْرَاتِ الْخُبْزِ. فَظَنَّ أَنَّهُ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَنَامَ فَتَرَجَّعَ قَلِيلًا عَنِ الْمَائِدَةِ وَ انْصَرَفَ إِلَى عَمَلِهِ دُونَ أَنْ يُخَامِرَهُ الشُّكُّ فِي شَيْءٍ، وَ لَمْ يَدِرْ حَقِيقَةَ مَا حَدَّثَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ أَنْفَجَرَ مُسَاعِدُوهُ مِنَ الضَّحْكِ.

ترجمه اول: در یک روز همچنان که ایدیسون، غرق در حلّ یک معضل علمی بود، مجبور شد به دادگاه برود تا مالیاتی را که برعهده او بود بدهد. زمان نه چندان کوتاهی را در صف ایستاد، به انتظار اینکه نوبت او فرا برسد. وقتی نوبت او رسید، نامش را فراموش کرد. یکی از افرادی که کنار او ایستاده بود، پریشانی او را مشاهده کرد و به او یادآوری کرد که نامش توماس ایدیسون است! ایدیسون عادت داشت شب را در کارگاهش بگذراند و مشغول کار باشد. صبح یکی از روزها در حالی که منتظر صبحانه اش بود تا

آن را بخورد، تسلیم خواب شد و یکی از معاونانش خواست با او شوخی کند؛ پس سینی که بشقابهای خالی و فنجان خالی و تکه‌های نان در آن بود را در مقابل او روی میز قرار داد. ادیسون گمان کرد پیش از آنکه بخوابد، خورده است. پس کمی از میز عقب‌نشینی کرد و به کار خود مشغول شد، بدون اینکه شک در دل او راه یابد و حقیقت را نفهمید، مگر وقتی که معاونانش از خنده منفجر شدند.

ترجمه دوم: یک روز که ادیسون، سخت مشغول حلّ یک مسئله علمی بود، مجبور شد به اداره دارایی برود تا مالیات خود را بدهد. زمان نسبتاً زیادی در صف ایستاد تا نوبت به او برسد. وقتی نوبت او رسید نام خود را فراموش کرد. شخصی که کنار او ایستاده بود، متوجه سردرگمی او شد و یادآوری کرد که نامش توماس ادیسون است! ادیسون معمولاً شبها در کارگاهش مشغول کار بود. یک روز صبح، پشت میز صبحانه‌اش به خواب رفت. یکی از دستیارانش سینی و بشقابهای خالی را جلوی او روی میز قرار داد. وقتی ادیسون بیدار شد، به گمان اینکه صبحانه‌اش را خورده است، از میز کنار رفت و بدون اینکه حتی یک لحظه شک کند، به سراغ کار خود رفت و وقتی دستیارانش زدند زیر خنده، تازه ماجرا را فهمید.

ب) گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۱. کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

الف) متنهای توصیفی - ترجمه معنایی

ب) متنهای اطلاعاتی - ترجمه ارتباطی

ج) متنهای توصیفی - ترجمه ارتباطی

د) متنهای اطلاعاتی - ترجمه آزاد

۲. مفهوم رعایت در امانت چیست؟

الف) رعایت امانت در جمله‌های مختلف متغیر است.

ب) کلمات باید با دقت ترجمه شود.

ج) هیچ‌یک از کلمات ترجمه نشود.

د) رعایت امانت در همه جمله‌ها یکسان است.

۳. کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

(الف) هدف از متون فلسفی و حقوقی انتقال معناست.

(ب) هدف از متون فلسفی و حقوقی انتقال تأثیر است.

(ج) معمولاً هدف نویسنده از ضرب‌المثلاً انتقال تأثیر است.

(د) انتقال تأثیر با ترجمه ارتباطی میسر است.

۴. واحد ترجمه در ترجمه معنایی چیست؟

(الف) جمله

(ب) کلمه

(ج) بند

(د) مفهوم متن

(ج) در ترجمه متن زیر، کدام یک از تعابیر برای جای خالی مناسب تر است:

لا يعرف العلماء ما الذي سيحدث للكون في المستقبل. قد يستمر الكون في التوسع أو قد تؤدي قوة جاذبيته إلى الحد شيئاً فشيئاً من توسعه حتى يتوقف تماماً. يعتقد بعض العلماء أن الكون قد يعود عندئذٍ إلى التقلص و من ثم إلى الانفجار. و من المحتمل أن يكون الكون قد تعرض في الماضي أيضاً لعدة انفجارات عظيمة. فمن الصعب جداً معرفة الحقيقة.

دانشمندان نمی‌دانند شاید جهان یا نیروی جاذبه آن جلوی گسترش آن را بگیرد تا آنکه بالاخره برخی از دانشمندان معتقدند در این صورت ممکن است جهان و منفجر گردد. بعید نیست شناخت حقیقت، بسیار دشوار است.

۱. الف) چه بلایی بر سر جهان خواهد آمد.

(ب) سرنوشت جهان چه خواهد شد.

۲. الف) همچنان گسترش یابد و بزرگ تر شود

(ب) به گسترش خود ادامه دهد

۳. الف) به تدریج

(ب) کم کم

۴. الف) از گسترش باز ایستد.

(ب) به طور کامل متوقف شود.

۵. الف) به کم حجم شدن باز گردد

(ب) دوباره کم حجم شود

۶. الف) جهان قبلاً نیز دچار انفجارهای بزرگ و مشابهی شده باشد.

ب) در گذشته نیز چنین انفجارهایی در جهان رخ داده باشد.

د) به دو متن زیر توجه کنید. شیوه متن «الف» ادبی و متن «ب» علمی است، متنها را

براساس آموخته‌های خود ترجمه کنید و به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

الف) قال جبران خلیل جبران علی لسان المطر:

أنا أبكى فَبَتَّبَسِمِ الطُّلُوبِ وَ أَتَضِعُ فَرْتَرَفِعُ الأزهارُ. العَيْمَةُ وَ الحَقْلُ عاشقان، و أنا بَيْنَهُمَا رَسُولٌ مُسْعِفٌ، أَنَهْمِلُ فَأُبْرِدُ غَلِيلَ هذا وَ أَشْفِي عِلَّةَ تلكَ أَصْعَدُ مِنْ قَلْبِ البُحَيْرَةِ وَ أَسِيرُ عَلَى أَجْنحةِ الأَثِيرِ، حَتَّى إِذَا ما رَأَيْتُ رَوْضَةً جَمِيلَةً سَقَطْتُ وَ قَبَلْتُ ثُغُورَ أَزهارها وَ عاقَتُ أَغصانها. فِي السَكِينَةِ أَطْرُقُ بِأنا مِلَى اللُّطيفَةِ بُلُورَ النُّوافِدِ؛ فَتُؤَلِّفُ تلكَ الطَّرقاتُ نَعْمَةً تَفْقَهُها النُّفوسُ الحَسَّاسَةُ.

ب) تَبَخَّرَ المِياهُ مِنَ البِجارِ وَ الأَنْهارِ وَ البُحيراتِ وَ تَصْعَدُ فِي الجَوِّ لِتُشَكَّلَ غُيُوماً.

فَإِذا بَرَدَتْ طَبقاتُ الجَوِّ العُلْيا، أَثَرَتْ فِي تلكَ الغيومِ وَ حَوَّلَتْها إِلى قَطراتٍ مِنَ المِماءِ تَساقِطُ نَحْوَ الأَرْضِ مُشكِّلَةً المَطَرَ. تَعُودُ مِياهُ المَطَرِ ثانياً إِلى الإِرضِ، لِتَجْرِيَ جَدائِلَ وَ أَنْهاراً، فَتُرَوِّى زَرْعنا وَ تُنمِّي غِراسنا. تَساقِطُ عَلَى الحُقُولِ فَتَجْعَلُها خَضراءَ، وَ عَلَى المُدُنِ فَتَغْسِلُها وَ عَلَى الغاباتِ فَتَزِيدُها نِماءً وَ نِصارَةً.

۱. متن ادبی، عقل را مخاطب قرار می‌دهد یا احساس را؟

۲. آیا در متن علمی، رد پایی از نویسنده در متن دیده می‌شود؟

۳. آیا در متن ادبی، افکار نویسنده، دارای نظم و ترتیب منطقی است؟

۴. کدام یک از این دو متن به پرسشهای خواننده با کلمات ساده و واضح و قابل فهم،

پاسخ می‌دهد؟

۵. آیا در متن علمی، صور خیال و تصاویر زیبا وجود دارد؟

۶. تفاوت‌های متن ادبی و علمی را با توجه به پرسشهایی که مطرح شده است، بنویسید.

۷. متن «ب» را به صورت معنایی ترجمه کنید و با ترجمه ارباطی آن، که قبلاً

نوشته‌اید، مقایسه کنید و زیر موارد اختلاف، خط بکشید.